



۲۰۱۳/۱۱/۰۲



شیمیا غفوری

## نظری پیرامون نشر مطالب در سایت های مختلف

به تازگی مقاله دلچسپ و مفصلی را از آدرس افغان جرمن آنلاین تحت عنوان "سخنی چند با نویسندگان، قلم به دستان، شعراء..." مطالعه نمودم. چون در مقاله، تمام خوانندگان و نویسندگان مخاطب قرار گرفته اند، من هم بحیث جزء کوچک این جمع لازم دیدم تا در مورد نظرم را بنویسم که جنبه توضیحی دارد.

این مقاله در حقیقت متشکل از دو قسمت مهم می باشد، که در قسمت دوم آن به معرفی پورتال و طرق درست استفاده از داشته های آن پرداخته شده است. آنچه که عیان است، باز هم لازم به تذکر دارد که پورتال افغان جرمن آنلاین در سطح خیلی عالی علمی، ادبی، سیاسی، معلوماتی و تخنیکی فعالیت نموده و مقالات آن رهنمود کننده می باشد. در این پورتال کوشش جدی به عمل می آید تا از کینه توزی های وطن سوز و نفاق افکن خود داری صورت بگیرد. با مطالعه نوشته های این پورتال برای خواننده احساسی دست می دهد که این صفحه در پی آن است تا واقعیت گرایی را معیار کارش بسازد.

من یکی از شاهدان عینی هستم که عده ای از فرهنگ دوستان و سیاسیون در افغانستان مقاله هایی را از صفحات انترنتی افغانی چاپ و تکثیر نموده و به دسترس افرادی که نشنه معلومات و تحلیل های سیاسی می باشند، قرار میدهند. زیرا بسیاری از هموطنان ما در کشور دسترسی به انترنت ندارند. در این میان بیشتر مقالات "افغان جرمن آنلاین" مورد چاپ و تکثیر قرار میگیرد. این به خاطر ذوق شخصی چاپ کننده نیست، بلکه اکثریت خوانندگان از این مقالات اظهار رضایت نموده و خواستار مقالات بعدی آنها میگردند.

ضرورت های مردم افغانستان حکم میکند که باید چنان نشراتی رشد نمایند که واقع بینانه، غیر جانبدار و متکی بر پرنسیپ های ملی، انسانی و دیموکراتیک باشند. امیدوارم نه تنها پورتال افغان جرمن آنلاین، بلکه سایت های دیگر نیز این راه را تا آخر با حوصله مندی و متانت پیموده و از امتحان بزرگ تاریخی سرفراز بدر آیند.

در قسمت اول همین مقاله نویسنده محترم در مورد نشر مضامین در یک و یا چندین صفحه انترنتی یاد آوری نموده و این سؤال را مطرح نموده است که باید نویسنده نظر به موضع گیری فکری خویش، ناشر را انتخاب نماید. این مسئله اساساً معقول می باشد ولی اگر به وقایع نه چندان دور میهن خود توجه نمایم، در آنصورت شاید به نتیجه گیری دیگری برسیم. در اینجا کوشش خواهم نمود تا برداشت ها و دلایل خود را در زمینه خدمت متصدیان و خوانندگان صفحه تقدیم نمایم.

۱. تا چند سال قبل نفاق و حساسیت ها در بین روشنفکران کشور به خصوص در خارج به حدی بود که یکی تحمل شنیدن، خواندن و نشر کردن نظر مخالف و "رقیب" خود را نداشت. نظر به بعضی عوامل منجمله از برکت همین نشرات متعدد حالا وضع تغییر کیفی نموده و تحمل پذیری هموطنان بیشتر گردیده است. در مجموع آهسته آهسته جو سیاسی و اجتماعی تغییر کرده و هر کدام کوشش می نماید تا مطلب خود را در لابلای دشنام ها و مذمت ها نه، بلکه با دلایل معقول و منطقی ارائه نماید. با وجود پیشروی های خوبی در این ساحه، هنوز هم ضرورت آن می رود، تا در این راستا کار بیشتر صورت بگیرد. زیرا اکثر روشنفکران ما بر مبنای عدم شناخت کافی از اندیشه های یکدیگر و خط کشی های محیط های ضیق سیاسی و اجتماعی گذشته در ضدیت با هم قرار دارند. از اینرو بهتر می دانم که خواننده خواسته و نا خواسته در صفحه مورد علاقه اش با نام و نوشته اشخاصی برخورد نماید، که قبلاً به وی دشنام می فرستاد. مفیدیت این مسئله در کجاست؟ وقتی مضامین متفاوت توسط اشخاص مختلف خوانده شود، دو طرف یعنی نویسنده و خواننده با هم داخل تماس می گردند امروزه در اکثر صفحات خواننده می تواند نظر خویش را در مورد نوشته مشخص ابراز نماید. خواننده امروزی خواننده پاسیف اخبار چاپی دیروزی نیست. یعنی خواننده هم می تواند موضع فعال داشته باشد. به این ترتیب بین خواننده ها و نویسنده های با اندیشه های گونه گون یک گفت و گوی مفید به میان می آید. در نتیجه افکار و نظریات به تدریج بدون تحمیل فشار "تصفیه" گردیده و به جانب همسویی میروند.

۲. با وجود تلاش های تجزیه طلبانه در طول سال ها، این نوع گروه های "محیط روشنفکری" خوشبختانه هنوز موفق به تطبیق نظر شان نشده اند. دلیل آنرا من در قدرت تفکر سالم و خواست درونی مردم افغانستان می بینم. و به تصور من تا زمانی که یک توطئه بسیار قوی بیرونی تجزیه را بالای مردم ما تطبیق ننماید، این مسئله خواب خواهد بود و خیال. اگر چه متأسفانه همین خواب و خیال هم به نوبه خویش بالای منافع کشور تأثیرات بس منفی را دارد، ولی از جانب دیگر برای هر

هموطن صادق زمینه تفکر بیشتر را بدست میدهد، تا آگاهانه تر در مورد ضرورت اتحاد و اتفاق مردم و حفظ وحدت کشور تفکر نموده و پیکار نماید. با این مقدمه می خواهم بگویم که هنوز دیوار های نوق ها و رنگها در بین اکثریت خوانندگان، زیاد بلند نیست. هنوز افکار بسیاری از افغانها تأثیر پذیر است. هرگاه یک خواننده مقاله خوبی را برخلاف موضع گیری مجریان صفحه نفاق افکن می خواند، این مقاله حتماً اثرات مثبتی را بالای وی وارد میکند. فراموش نکنیم که هیچ حرفی و هیچ عملی بدون اثر بخشی نمی باشد.

حال هرگاه مرزبندی ها و قلعه بندی ها بین خوانندگان و نویسندگان محکم تر گردد، در آنصورت اثر گذاری مقالات در سطح عمومی مردم کمتر می شود. در حالیکه برای افغانستان هر فرد تعلیم یافته قابل محاسبه است و باید کوشش گردد تا از لغزش هر فرد در بیراهه ضد منافع ملی کشور جلوگیری به عمل آید.

۳. در بین اشخاصی که به ایدیالوژی های گوناگون معتقد بودند، یک بحران کلی عاید گردیده است. من به این نظرم که بسیاری از آنها نظر به شرایط گذشته کشور و جهان با صداقت به خاطر بهبود زندگی مردم افغانستان راهی و ایدیالوژی ای را برگزیده بودند. ولی حوادث افغانستان و جهان دیگر شاهد ناکامی بازار ایدیالوژی گرایی می باشد. و اکثریت آنها تلاش دارند تا در ارتباط مسایل مختلف نظریات خود را با شرایط و امکانات جدید رشد بدهند و نظریات خویش را با دیگران شریک بسازند. در اینجا هم یک گفت و گوی فعال از طریق همین رسانه ها مفید می باشد. من مطمئن هستم که بازار رهبر ستایی هم به تدریج جایش را به تعقل دستجمعی افراد زنده خواهد سپرد. زیرا در یک تبادل فعال، آزاد و واقعینانه ای اندیشه ها و بالنتیجه راه گشایی های سیاسی تاجر افکار عمر طولانی نخواهد داشت.

۴. شاید هر خواننده یک رسانه مورد پسند خود را داشته باشد و با خواندن آن اتکاء نماید. هرگاه مرزبندی ها بین صفحات زیاد شود، من هراس دارم که وابستگی خوانندگان به صفحه مورد علاقه اش مثل تعلقات به احزاب سیاسی گردد. تجربه نشان داده است که ما افغان ها در این مسایل بعضاً افراطی هستیم و به وابستگی ها تا سرحد تقدس، ننگ و غیرت می چسبیم. و یا هم در صورت کوچکترین شکر رنجی سر دشمنی را با رسانه مورد نظر خود می گیریم.

البته هر رسانه تیم کاری و مسؤول خویش را دارا می باشد، که این مسئله در پهلوی پرنسیپ های نشراتی و مشخصات تخنیکی سایت ها باعث تمایز یک نشریه نسبت به دیگری می گردد. و خوانندگان نظر به علاقه مندی، یک و یا نشریه دیگر را اولتر از همه باز نموده و وقت بیشتر خود را برای مطالعه آن تخصیص میدهند. از احصائیه خوانندگان پورتال افغان جرمن آنلاین بر می آید که این رسانه در داخل و خارج کشور از جانب عده ای کثیری از هموطنان مورد مطالعه قرار می گیرد. این واقعیت برای گردانندگان پورتال یک شاخص خوب برای ادامه پالیسی نشراتی شان میباشد.

اینجانب رسانه های مطبوعاتی را بحیث افزار بسیار خوب و فعال برای مناظرات سیاسی، گفت و گو ها و روشنگری ارزیابی می نمایم. این پروسه روز تا روز از حالت عقده گشایی ها و اتهام پردازی ها به جانب واقعیت نگری، و مستند گرایی به پیش میرود. چون کشور ما افغانستان به همسویی مفکوره ها، نظریات و اندیشه ها و همکاری، همیاری و همبستگی اتباع با نظریات گوناگون ضرورت دارد، لازم می دانم تا دروازه ها هنوز باز گذاشته شوند، تا هر فرد افغان چانس های انتخاب بیشتر را داشته، در انبوهی از نظریات گوناگون کنجکاوای نموده و با قناعت فکر و وجدان راه خویش را در پیش گیرد.

پایان